

فرا دینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

۸۳

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

فرا دینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه
ناهید محمدزاده و همکار

سیده لطیفه حسینی^۱
ناهید محمدزاده^{۲*}

۱. دکترای حقوق بین الملل و استادیار گروه حقوق دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناس سطح دو حوزه علمیه، وکیل پایه یک دادگستری، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مباحث مهم و سؤالات چالش برانگیز در عصر حاضر، موضوع دینی یا فرادینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می باشد. در راستای پاسخگویی به این سؤال، مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به نگارش درآمد. به طوری که پس از ملاحظه منابع حقوق اسلامی، اسناد حقوق بشر و مدارک تاریخی مشاهده گردید، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه اسلامی با منشأ الهی، بیش از هزار و چهارصد سال پیش به صورت کامل، جامع و غیرقابل تغییر به مثابه تکلیف و عبادت شرعی برای ابنای بشری در تمامی ادوار تدوین و مطرح شده اند. همچنین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه امروزی، متأثر از تعالیم و دستورات ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام است لذا ریشه دینی داشته و منفک از دین نیستند. معذالک علی رغم شعار جهانی بودن آن، به نظر می رسد حقوق بشر امروزی به دلیل نفوذ تفکر سکولار، تبعیت از اهداف و اغراض سیاسی، ترجیح منافع و مصالح غرب، اکتفا نمودن به عقول بشری و محور قراردادن انسان در عمل، غیر دینی و غربی می باشد. شاهد این مدعا در مواردی نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه سایر ملل به ویژه مسلمانان است و در مواردی نیز سکوت، مسامحه و غفلت در خصوص اجرای قواعد و مفاد آن می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، دین اسلام، حقوق بشر اسلامی.

با ملاحظه تاریخ بشریت درمی‌یابیم انسان‌ها همواره در حال جنگ و خونریزی بودند. گفته شده آدمی از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته شده، تنها حدود ۲۵۰ سال در صلح عمومی به سر برده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۳۳)، درگیری و جنگ چنان با تاروپود تاریخ جهان عجین شده که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران جنگ را جزو اجتناب‌ناپذیر روابط میان اقوام و ملل در طول تاریخ دانسته و اظهار می‌دارند هر چند اجتناب از جنگ ناممکن می‌رسد لیکن محدود کردن دامنه جنگ و خونریزی و تأکید بر رعایت اصول و حقوق انسانی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و دشمنی‌ها، حمایت از بی‌گناهان و غیرنظامیان و... ممکن و دست یافتنی می‌باشد. بر این اساس پس از جنگ جهانی دوم که یکی از پر تلفات‌ترین جنگ‌ها در طول تاریخ بشری می‌باشد، گروهی از دلسوزان و اندیشمندان خیرخواه و نوع‌دوست با هدف حمایت از حقوق انسانی گرد هم آمده و با هم‌فکری و همکاری یکدیگر اقدام به تدوین و تصویب حقوق بشر کردند. اهمیت موضوع موجب تصویب معاهدات، کنوانسیون‌ها، مقررات و میثاق‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه گردید تا بدین وسیله دامنه جنگ، خونریزی، ویرانگری، درد ورنج مردم تقلیل یافته و در زمان جنگ حقوق اولیه و انسانی تمام ملل رعایت گردد. با این‌همه مسائل و چالش‌های موجود در زمینه حفظ و رعایت حقوق بشری باقی است. به‌علاوه سؤالات متعددی از جمله علل ناکارآمدی حقوق بشر امروز، ارتباط یا عدم ارتباط و نیز تعامل اسناد بشری با تعالیم ادیان الهی به ویژه دین اسلام و... از مهم‌ترین مباحث و موضوعات عصر حاضر می‌باشند. بر این اساس نگارش مقاله حاضر با هدف بررسی "دینی یا فرا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه" در سه بند اساسی خلاصه می‌شود. به نحوی که در بند اول، تحلیل مفهومی و سیر تاریخی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و بند دوم؛ رهیافت دینی به حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مورد بررسی قرار گرفته و در بند سوم نیز پس از تبیین تقابل یا تعامل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه دینی و غیر دینی و تأکید بر اصول و مبانی دین اسلام در صدد اثبات دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌باشد.

۱. بند اول: تحلیل مفهومی و سیر تحول تاریخی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

برای بررسی دقیق هر موضوعی نگاهی به ماهیت، تعریف و سیر تاریخی موضوع لازم می‌نماید به این ترتیب در این قسمت ابتدا مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه تحلیل می‌شوند و بعد به تاریخچه تدوین این دو پرداخته خواهد شد.

۱-۱. تحلیل مفهومی

حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه اگر چه هر دو حقوق متعلق به انسان می‌باشند اما زمان اعمال و به کارگیری هر کدام از این دو حقوق متفاوت است به گونه‌ای یکی یعنی حقوق بشر در هر دو زمان صلح و جنگ قابل اعمال است و دیگری یعنی حقوق بشر دوستانه فقط در زمان جنگ قابل اعمال است در این قسمت به تعریف رایج هر کدام از این مفاهیم اشاره خواهد شد.

۱-۱-۱. حقوق بشر

مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد حقوق بین‌الملل و ساز و کارهایی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها از مقام و منزلت و کرامت انسانی همه افراد و یا گروه‌ها صرفاً به دلیل این‌که انسان‌اند در مقابل همه دولت‌ها حمایت می‌کند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۷۹ و ۸۰) به عبارت دیگر حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. (فلسفی: ۹۵)

۱-۱-۲. حقوق بشر دوستانه

مفهوم حقوق بشر دوستانه در کل جایگزین مفهوم حقوق جنگ^۱ یا به طور جامع‌تر حقوق منازعه مسلحانه^۲ شده است البته همه قواعد جنگ، بشر دوستانه نیستند. اغلب قواعد حقوق در جنگ^۳ را می‌توان دارای ماهیت بشر دوستانه دانست. بر خلاف قواعد حقوق جنگ^۴ حقوق جنگ در تنظیم حقوق حاکم بر متخاصمان، در شرایطی اقداماتی را مجاز می‌شمارد که نمی‌توان آن‌ها را در طبیعت‌شان بشر دوستانه دانست. آنچه که امروز حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شناخته می‌شود شامل دو شاخه از حقوق قابل اعمال و مشخصات مسلحانه یعنی حقوق لاهه^۵ و حقوق ژنو^۶ است. به تدریج این دو شاخه حقوقی یک نظام مرکب یک پارچه را تشکیل دادند که در پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در تحول آن ایفاء نقش نموده‌اند. (قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹)

حقوق بشر دوستانه به معنای قوانین بین‌المللی است که حقوق طرفین درگیر را در استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی به انتخاب خود محدود می‌کند یا از کشورهای

غیردرگیر یا اشخاص یا اهدافی که به گونه‌ای تحت تأثیر درگیری قرار می‌گیرند محافظت می‌کند^۷ تا بدین وسیله مصیبت‌ها و آلام جنگ‌ها را کاهش داده و از کرامت انسانی افراد در زمان جنگ صیانت کند. اما امروزه هدف از حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن والا و کرامت انسان و تضمین حق حیات و حقوق اساسی بشر و به‌طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین‌الملل ناظر بر منازعه مسلحانه و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی است. پذیرش دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ که حاوی مقررات کاملاً منطبق با قواعد حقوق بشر است و در جهت تأمین این هدف تنظیم گردیده است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹) کمیته بین‌المللی سرخ به عنوان صلیب سرخ به عنوان محافظ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عمل کرده و فعالیت خود یعنی امداد رسانی به غیرنظامیان و تضمین رفتار مناسب با افراد مورد حمایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه را بر مبنای چهار کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۷۷ انجام می‌دهند. مکانیزم حمایتی و قلمرو اجرای حقوق بشر دوستانه بر سه پایه حمایت، احترام و کمک استوار است و قلمرو اجرای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی^۸ و مخاصمه مسلحانه داخلی^۹ می‌باشد.

۱-۲. تاریخچه تدوین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

زمان تدوین و تعیین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در جهان معاصر متفاوت است و هر کدام سببه تاریخی خاص خود را دارد اما این دو موضوع دارای ارتباط متقابل با یکدیگر می‌باشند به این ترتیب در این قسمت به اجمال به این سببه تاریخی و ارتباط متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۱. تاریخچه تدوین حقوق بشر

اولین اعلامیه حقوق بشر پس از انقلاب کبیرفرانسه (۱۷۸۹) شامل یک مقدمه و ۱۷ ماده بود که پس از قانون اساسی فرانسه به تصویب رسید. در این زمینه اعلامیه‌های دیگر حقوق بشر به شرح ذیل صادر گردید:

- اولین و مهم‌ترین اقدام کمیسیون حقوق بشر تدوین و تنظیم اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که در اجلاس سال ۱۹۴۸ شامل قرارداد و مقدمه و سی ماده به صورت قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در پاریس تشکیل شد به تصویب رسید.
- قرارداد اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) دارای ۶۶ ماده است که پروتکل ضمیمه آن به تدریج تا سال ۱۹۶۶ به آن اضافه گردید.
- منشور اجتماعی اروپا (۱۹۶۱) با هدف بهره‌مندی اتباع این کشورها از حقوق اجتماعی

ساوای بدون تبعیض از جهت نژاد، رنگ، جنس، مذهب و عقیده سیاسی است. قرارداد حمایت از حقوق بشر در قاره آمریکا، کمیسیون حقوق بشر بار اول از سال ۱۹۶۰ کار خود را آغاز کرد سپس قرارداد آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (۱۹۴۸) تصویب شد.

– میثاقین بین‌المللی حقوق بشر (۱۹۶۶) مکمل اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد. یکی با یک مقدمه و ۵۳ ماده راجع به حقوق مدنی و سیاسی و دیگری با یک مقدمه و ۳۱ ماده راجع به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۵۰ و ۵۱) برخی معتقدند، از نظر نظام بین‌الملل حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر را بی‌تردید باید نقطه عطف اسناد بین‌الملل حقوق بشر دانست ... سندی که در اسناد حقوق بشری در دوره حاض، بیشترین نقش را در توسعه حقوق بین‌الملل بشر ایفاء کرده است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷) برخی نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر را نخستین سندی می‌دانند که در آن مسأله محدودیت‌های حقوق انسانی و آزادی‌ها مورد اشاره دقیق قرار گرفته است و بر همین اساس شاید بتوان گفت پایه‌گذار و آغاز بحث‌های مربوط به قلمرو و حدود محدودیت‌ها از این ماده آغاز شد و در اسناد بعدی به صورت تکامل یافته‌تری نمود پیدا کرد. (صفاری نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۹)

۱-۲-۲. تاریخچه تدوین حقوق بشر دوستانه

با ملاحظه سیر اقدامات و تفکرات بشردوستانه از قرن ششم قبل از میلاد مشخص می‌شود یونانیان باستان، معاهداتی در خصوص ممنوعیت جنگ در زمان‌های مقدّس و فصول خاصّ سال و نیز محدودیت‌های دیگری هم‌چون مجازات تسلیم‌شده‌ها و آزادی اسیران در مقابل خون‌بها، لزوم استرداد پیکر سربازان کشته شده، ممنوعیت تجاوز به غیرنظامیان، اماکن مقدّسه و... اجرا می‌کردند. سومریان نیز نهادی مبتنی بر آزادی اسیران در مقابل فدیة داشته‌اند. در ایران باستان نیز افکار بشردوستانه تحت تأثیر اندیشه زرتشت، وجود داشته است که آثار آن در سنگ نبشته‌های تخت جمشید از عهد ساسانیان یافت می‌شود. هم‌چنان که آثار و اقدامات سایر اندیشمندان غربی از جمله: گروسیوس^{۱۱}، فرانسیس لیبر^{۱۱} و ژان ژاک روسو^{۱۲} تحولی بنیادین در زمینه حقوق بشر دوستانه ایجاد نموده‌اند.^{۱۳}

درخصوص تدوین حقوق بشردوستانه به شکل امروزی نیز باید گفت در نیمه قرن نوزدهم میلادی (۱۸۵۸ م) جنگ خانمان‌سوزی میان سه کشور ایتالیا، فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو (شمال ایتالیا) برافروخته شد که نتیجه آن حدود چهل هزار

معلول بود. یک بازرگان خیراندیش سوئیسی به نام هانری دونان (۱۸۲۸) که معرکه تلخ را به دیده مشاهده کرده و سخت تحت تأثیر صحنه‌های رقت‌بار ویرانی‌ها، مصدومین و معلولین جنگ قرار گرفته بود به منظور مداوای آنان با افراد زیادی صحبت و مکاتبه کرد و بالاخره با نوشتن کتابی به نام "خاطرات سولفرینو" برای تسکین آلام بشری دو پیشنهاد ارائه کرد که در زمان خود بدیع بود:

- ۱- برای رسیدگی به وضع مجروحان جنگی بدون در نظر گرفتن ملیت و عقیده آنان در تمام کشورها، کمیته‌هایی تأسیس شود. (ساک، ۱۳۸۷: ۱۰۵)
- ۲- دولت‌های جهان در یک کنگره جهانی اجتماعی و طی معاهده‌ای اصول تخلف‌ناپذیر حقوق بشردوستانه را به تصویب برسانند.

در سال ۱۸۶۴ نمایندگان و مقامات رسمی از کشورهای مختلف اروپایی در ژنو تشکیل جلسه دادند و سازمان بین‌المللی صلیب سرخ شکل گرفت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در سال ۱۹۹۶ بنا به درخواست بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تصمیم گرفت با کمک متخصصین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به نمایندگی از مناطق مختلف جغرافیایی و نظام‌های مختلف حقوقی، گزارشی در خصوص قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه که نسبت به درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال است تهیه و توزیع کند. پس از انجام تحقیقات و ارائه گزارش رسمی کمیته با اشاره‌ای ناچیز به نقش نظام حقوقی و فقهی اسلام اعلام کرد: "همه سنت‌ها و تمدن‌ها در توسعه این رشته از حقوق که امروزه بخشی از میراث مشترک بشریت است یاری رسانده‌اند." (ستاری، ۱۳۹۲: ۸۶)

پس از جنگ جهانی و خسارات و تجارب حاصل از آن، در ژنو چهار معاهده به شرح زیر به تصویب رسید:

- ۱- معاهده نخست در باب بهبود وضعیت مجروحان جنگ‌های زمینی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹
 - ۲- معاهده دوم راجع به وضعیت مجروحان و بیماران و غرق شدگان جنگ‌های دریایی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹
 - ۳- معاهده سوم درباره رفتار با اسرای جنگی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹
 - ۴- معاهده چهارم در باب حمایت از افراد غیرنظامی در اثنای جنگ مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹
- ذکر این نکته نیز لازم است که در سده اخیر تلاش‌های صورت گرفته در زمینه حقوق

بشردوستانه از دو جنبه دارای ارزش و اهمیت می‌باشد. اول از جهت محدود کردن و در نهایت، ممنوع کردن جنگ و حمله نظامی علیه کشور دیگر و دوم در جهت تدوین قوانین بشر دوستانه و احترام به افراد در درگیری‌های مسلحانه، لذا به مجموعه قواعد و مقرراتی که در زمینه مقید نمودن و یا محدود و در نهایت ممنوع کردن جنگ پرداخته، کنوانسیون‌های «حقوق جنگ» یا «حقوق لاهه» گفته می‌شود. مجموعه قواعد و مقررات ناظر به حفظ حقوق افراد نیز به «حقوق بشر دوستانه» یا «حقوق ژنو» معروف می‌باشند. کنوانسیون‌های لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تصویب برخی از کشورهای جهان رسیده است و هم‌چنین کنوانسیون‌های ژنو در سال‌های ۱۹۴۹ به تصویب رسید. در سال ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری نظر خود راجع به ماهیت مقررات حقوق بشردوستانه در جنگ را اعلام نمود. در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، دیوان اعلام داشت که مقررات حقوق لاهه (حقوق جنگ) و حقوق ژنو (حقوق بشر دوستانه) به قواعد و مقررات عرفی بین‌المللی تبدیل شده و در حال حاضر هر دو مجموعه قوانین و مقررات به نام حقوق بشردوستانه بین‌المللی شناخته می‌شوند. مقررات پروتکل‌های ۱۹۷۷ و کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد برخی سلاح‌های متعارف و پنج پروتکل آن، کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا در مورد منع استفاده از مین‌های زمینی ضد نفر و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و نیز پروتکل ۱۹۹۹ منضم به کنوانسیون ۱۹۴۵ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه و پروتکل اختیاری سال ۲۰۰۰ در خصوص ممنوعیت به کارگیری کودکان در مخاصمه مسلحانه می‌باشد. موارد مذکور مؤید وحدت این دو شاخه از حقوق محسوب می‌شوند به‌علاوه فهرست بلند معاهدات در زمینه حقوق بشر حاکی از اهمیت حیاتی و روزافزون این قواعد است. از این فهرست می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: وجود مقررات حقوق بشردوستانه می‌تواند آماره‌ای باشد بر وجود تکلیف عمومی به مداخله، تکلیفی که هنوز اجماع جهانی نسبت به آن وجود ندارد و محل نزاع است. (صدیقیان کاشی، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

حقوق بین‌المللی بشردوستانه یکی از مؤثرترین ابزارهای جامعه‌ی جهانی برای تضمین ایمنی و کرامت انسان‌ها در زمان جنگ است هدف آن حفظ حدی از انسانیت است. اما علی‌رغم تلاش‌ها و نیت خیرخواهانه واضعان حقوق بشر امروز به دلیل اعمال اهداف و اغراض سیاسی، نفوذ افکار الحادی و دین ستیز و حفظ منافع غرب نه تنها حداقل حقوق انسانی را برای ملت‌های جهان سوم به‌ویژه مسلمانان قائل نیست بلکه برای حفظ و تأمین منافع و مطامع غرب، خود، دست به شرم‌آورترین اعمال ضد انسانی می‌زند و در مواردی

نیز با سکوت و مسامحه، رضایت ضمنی خود را اعلام می‌دارد. هم‌چنان‌که برخی از صاحب‌نظران معتقدند: حقوق بشر در غرب امروز، اهرمی تجاری-سیاسی است (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۵۱۳) این امر موجب سلب اعتماد ملل و بروز مسائل چالش برانگیز شده است. پس از بیان تاریخچه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه لازم است برای روشن‌تر شدن موضوع، ارتباط متقابل این دو نیز مطرح گردد.

۱-۳. ارتباط متقابل بین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ اصطلاح حقوق بشر پس از ورود در ادبیات حقوق، جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی^{۱۴} و حقوق انسان^{۱۵} گردید. امروزه حقوق بشر غیر دینی به عنوان بخشی از قانون حاکم بر جامعه بین‌المللی و به عنوان ابزاری جهت نظم بخشی به روابط موجود میان اعضا جامعه جهانی به گونه‌ای فزاینده از سوی جامعه جهانی با اقبال روبرو گردیده است و قواعد آن چنان خصلت آمرانه‌ای به خود گرفته که حتی اعتبار و مقبولیت جهانی کشورها نیز از آن ناشی می‌گردد. (بودش، ۱۳۹۰: ۵) هر چند به لحاظ عملی پاره‌ای از موارد اعلامیه و میثاقین و دیگر اصول مرتبط چندان جدی گرفته نشده و قابلیت اجرا ندارد.

حقوق بشر دوستانه نیز جایگزین مفهوم حقوق جنگ یا به طور جامع‌تر حقوق منازعه مسلحانه^{۱۶} گردید آنچه که امروزه تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی شناخته می‌شود شامل دو شاخه از حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه یعنی حقوق لاهه و حقوق ژنو می‌باشد.^{۱۷} ملاحظه سوابق تاریخی نشان می‌دهد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نه تنها در توسعه یکدیگر تأثیر متقابل داشته بلکه مکمل یکدیگرند. چنان‌که ملاحظه می‌گردد در طی جنگ قواعد بشردوستانه به طور مشخص تجارب جنگ جهانی دوم به ویژه محاکمات توسعه یافت و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در نتیجه محاکمات نورنبرگ طراحی و تدوین گردید تأثیراتی بر توسعه حقوق بشردوستانه بر جای گذاشت با این حال ویژگی‌های خاص حقوق بشردوستانه آن را با حقوق بشر متفاوت می‌سازد به طوری که از یک سو قواعد حاکم بر آن دو را از قواعد حاکم بر دیگر معاهدات بین‌المللی متمایز و از سوی دیگر برخی جهات هم‌چون: منابع و موضوعات تشکیل دهنده، مسئولیت بین‌المللی، ویژگی ارزشی، ویژگی قلمرویی، ویژگی موضوعی، و آمره بودن، ترحم و دلسوزی، مرجع رسیدگی، ضمانت اجرا و... متفاوت می‌سازد. (قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۱۸ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲)

۲. بند دوم: رهیافت دینی به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

دین مبین اسلام در برهه‌ای از تاریخ‌ترین و غم‌انگیزترین دوران تاریخ منازعات بشری ظهور یافت. عصری که ویران‌گری، وحشی‌گری، قتل، کشتار و فساد امری عادی و اخلاقیات و انسانیت در ورطه انحطاط و سقوط بود. آری در چنین روزگاری اسلام ظهور کرد تا انسان‌سازی، خداپرستی، طاغوت‌گریزی، تزکیه و تعلیم، عدالت‌خواهی و آزادگی و دیگر ارزش‌های والای اخلاقی و الهی را به انسان‌ها بیاموزد و او را به سر منزل سعادت، کمال و قرب الهی رهنمون گردد.

در این میان قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی و الهی حقوق بشر یکی از قدیمی‌ترین اسناد بدون در حقوق بشر به شمار می‌آید زیرا با گردآوری آیات قرآن کریم در همان نخستین سال‌های نزول قرآن کریم کار تدوین و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر انجام گرفت بر این اساس تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام، دهه دوم قرن اول هجری و دهه‌های آخر قرن هفتم میلادی می‌باشد. از سویی با جمع‌آوری و تقریر فرمایشات پیامبر اسلام (ص) و تدوین سیره و سنت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مبانی و ریشه‌های حقوق بشر در لابه‌لای کتب حدیث و سیره مطرح گردید و مانند دیگر بخش‌های علوم اسلامی زمینه را برای بررسی، تحقیق و تحلیل اندیشمندان اسلامی را فراهم آورد. با آغاز تدوین فقه و اخلاق که شکل جامع‌تر آن در قرون سوم و چهارم هجری تجلی نمود، مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب‌های فقهی و اخلاقی این عصر هم‌چون مبسوط شیخ طوسی به طور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. هم‌چنین در دوران شکوفایی فقه اسلامی در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ مسائل حقوق بشر در اسلام به صورت عمیق‌تر و روشن‌تر در لابه‌لای طبقه‌بندی و موضوع‌بندی سنتی فقه در مباحث سیاسی فقه عنوان گردید. (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۵۰۸ و ۵۰۷) در خصوص برخی از مباحث نوظهور که در فقه زنده و پویای اسلام مورد اشاره قرار نگرفته است مفسران و علمای عظام، با اجتهاد و تمسک به معیارهای کلی و اصول راهنمای مصرح در آیات شریفه قرآن، فروع قواعد حمایتی لازم‌الرعايه را استخراج می‌نمایند زیرا قرآن کریم مهم‌ترین و یکی از منابع فقه (قرآن، سنت، عقل، اجماع) و حقوق اسلامی به‌شمار می‌آید. بر این اساس آشنایی با اصول و مزایای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دینی لازم می‌نماید.

۲-۱. اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اسلامی

با نگاه دقیق و عمیق به آیات قرآن کریم روشن می‌شود بخش عمده‌ای از اصول و موضوعات حقوق بشردوستانه چهارده قرن قبل در مکتب اسلام مورد توجه قرار گرفته است موضوعاتی هم‌چون: شأن و کرامت انسانی، منع آدم‌کشی، عدم جواز خروج از عدالت و انصاف، ممنوعیت قتل غیرنظامیان، منع اعتداء و تجاوز، منع افساد در زمین، منع نابودسازی انسان‌ها و منابع محیط زیست، منع غدر و نامردی، آزادسازی اسیر با لطف، منت یا اخذ فدیة، حقوق جانوران و گیاهان در زمان مخاصمات، جنگ بر پایه تقوا و دفاع از حق و... به‌علاوه اصولی هم‌چون: اصل ارتباط تکوینی انسان با مجموعه هستی (مطففین، ۱۴ - حج، ۴۶)، اصل خداجو بودن انسان (فاطر، ۱۵)، اصل کرامت انسانی (اسراء، ۷۰ - بقره، ۳۰)، اصل آرامش‌نهایی در انجام (نحل، ۹۶)، اصل ضرورت تمایز، تناسب، تحدید تسلیحات، تأمین حرمت انسان‌ها، مصونیت زنان و کودکان، سالخورده‌گان، بیماران، راهبان و نیز برداشت‌هایی که از این اصول ناشی می‌گردد مانند: اصل احسان ابتدایی که از آن دو نکته؛ عدم پیشی گرفتن در مجازات و اعمال سیاست مقابله به مثل؛ لزوم پیش‌گامی دولت در برقراری حقوق بشردوستانه استنباط می‌گردد و نیز اصل احسان متقابل که از آن می‌توان دریافت که به فرض عدم الحاق دولت به پیمان‌های مرتبط با حقوق بشردوستانه، در مواردی که این حقوق جنبه احسانی دارد و به طور یک‌جانبه نسبت به دولت‌های غیرعضو هم اجرا می‌گردد، دولت باید علاوه بر اقدام متقابل در اجرای این موارد؛ در صورت امکان، اقدامات مناسب‌تری را نیز انجام دهد.

احسان متقابل می‌تواند به عنوان موضوع قاعده «تعاون برابر» مستفاد از آیه «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» هم مطرح شود. در این صورت، همان‌طور که احسان در برابر احسان لزوم می‌یابد، احسان بر حسب قرارداد تعاون بر احسان نیز، بر طرفین الزام‌آور می‌شود. به خوبی گستره و جامعیت حقوق بشر اسلامی (دینی) آشکار می‌گردد.

به‌علاوه از آن‌جا که حقوق بشردوستانه اسلامی ریشه در فطرت انسان‌ها دارد از پشتوانه عرفانی و حکمی قوی برخوردار است هم‌چنین اعتقاد به حقوق و پای‌بندی به آن از بایسته‌های فهم توحیدی است به طور کلی هر اقدامی که با هدف اصلی اسلام یعنی گسترش فضائل اخلاقی و نجات بشر مغایرت داشته باشد محکوم به منع است. چنان‌که ملاحظه می‌گردد فقه دینی بنیان‌گذار حقوق بشردوستانه می‌باشد از این‌رو قواعد کلی و اصول اساسی حاکم بر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه متجلی است. دین مبین اسلام در اساس با اصول مقدس و مبانی مقدس حقوق بشر از جمله کرامت و حیثیت و منزلت

انسانی، بردباری، هم‌بستگی و برابری دارد یعنی همان اصول که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مستور و مستتر است هم‌خوانی تام و تمام دارد (رابینسون، ۱۳۸۱)

نوزدهمین اجلاس وزاری خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، صدور و تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی با نام اعلامیه قاهره (۱۹۹۰) حاکی از آن است که متفکران مسلمان، حقوق بشر برگرفته از مبانی اسلام و قرآنی را متضمن حقوق کامل برای ابناى بشر می‌دانند و هم از این روست که امروزه حقوق بشر یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در کشورهای اسلامی است اگرچه این کشورها منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بسیاری دیگر از اسناد حقوق بشر را رسماً پذیرفته‌اند و بخش‌هایی از این اسناد بین‌المللی در قوانین اساس آن‌ها گنجانده شده است (فیرحی، ۱۳۸۴: ۴۳۳ و ۴۳۷)

دیدگاه اندیشمندان اسلامی مبتنی بر جامعیت و گستردگی تعالیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه اسلامی می‌باشد به علاوه تلاش آنان جهت استخراج اصول و قواعد حقوق بشر و بشردوستانه و تطبیق آن اصول با موازین اسلامی موجب انتشار سه اعلامیه حقوق بشر اسلامی از سوی کنفرانس اسلامی گردید:

- ۱- طرح اعلامیه حقوق و تکالیف اساسی انسان در اسلام (۱۹۷۹-مکه مکرمه، عربستان)
- ۲- طرح سندی در رابطه با حقوق بشر در اسلام (۱۹۸۸-طائف، عربستان)
- ۳- اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰، قاهره) (۲۲)

این اعلامیه در اجلاس مورخ ۲۱ ژوئیه تا ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی مطابق با ۹-۱۴ محرم سال ۱۴۱۱ ه.ق و ۱۰-۱۵ مرداد ۱۳۶۹ در قاهره و طی قطعنامه شماره ۴۹/۱۹p در نوزدهمین اجلاس وزاری خارجه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسید. سازمان کنفرانس اسلامی این سند را صرفاً به عنوان یک اعلامیه که بیان تلقی مشترک از حقوق بشر اسلامی است و نه یک کنوانسیون یا معاهده‌ای الزام‌آور تصویب می‌کند و به نظر می‌رسد این اعلامیه به حالت فعلیت نرسیده و بعد از گذشت سال‌ها از زمان تصویب آن هنوز در مراحل ابتدایی اجرا است.

۲-۲. امتیازات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اسلامی نسبت به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه غیردینی

حقوق بشر و بشردوستانه اسلامی نشانه عشق اسلام و رهبران دینی به شأن والای انسانیت است و از آن‌جا که حقوق بشر اسلامی با هدف گسترش فضائل اخلاقی، هدایت و نجات انسان تأکید بسیار بر شرافت و کرامت انسانی دارد این مهم موجب امتیاز و

نقش الگویی حقوق بشر اسلامی می‌گردد به‌علاوه با ملاحظه آیات و روایات درمی‌یابیم اولاً: حقوق بشردوستانه اسلامی که به صورت قواعد اساسی و کلی و در برخی موارد نیز به صورت مقررات جزئی مورد توجه قرار گرفته است از چنان بالندگی و پویایی برخوردار است که فقهای عظام با بهره‌گیری از سازوکارهای اجتهادی می‌توانند مصادیق و موضوعات نوظهور را با آن اصول کلی تطبیق داده، زمینه توسعه آن قواعد را متناسب با نیازهای مقتضی فراهم آورند که البته این امتیاز منحصر به فرد، مختص جهان اسلام است هم‌چنین با ملاحظه اصل تفکیک، اصل محدودیت، حمایت از مجروحان و بیماران و... در آیات متعدد قرآن کریم معلوم می‌گردد توجه به جزییات و مصادیق حمایتی در حقوق بشر اسلامی پیش از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی بوده است ثانیاً: قواعد حمایتی حقوق بشردوستانه اسلامی اکثراً متمرکز به درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه است و در اوج خشم و غرور نیروهای درگیر می‌باشد در حالی که حمایت‌های مورد نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه بین‌المللی معمولاً به مراحل پس از جنگ و فرونشستن آتش جنگ متمرکز شده است. ثالثاً: مبنای اصلی حقوق بشردوستانه اسلامی حمایت از انسانیت، کرامت انسانی و دفاع از اشخاص بی‌دفاع و در آتش منازعات می‌باشد لذا موضوعات نوپیدا نمی‌تواند مبانی مزبور را متزلزل سازد تا قابلیت انطباق یا عدم انطباق میان حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی موضوعیت پیدا کند رابعاً: مقررات حقوق بشردوستانه با گذشت زمان و در طول ادوار مختلف منفعل یا ایستا نبوده بلکه در جنگ‌های مختلف موجبات تأثیرپذیری ملت‌های دیگر را فراهم آورده است (لطفی، ۱۳۸۸: ۲۱) چنان‌که تونی فانو رئیس سابق بخش حقوق مقر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اذعان می‌دارد: نفوذ اسلام بر قوانین اروپایی و نحوه هدایت در جنگ به دوره جنگ‌های صلیبی بر می‌گردد به بیان نظریات برخی حقوق‌دانان بین‌المللی پرداخته و تصریح می‌کند منشأ حقوق بین‌الملل اعلامیه‌های جنگ در شکل نوین خود، اصول اسلامی بوده که از زمان جنگ‌های صلیبی توسط کلیسایان به قوانین شوالیه‌گری راه یافته و طی زمان به حقوق جنگ به شکل نوین تبدیل گشته است (فانو، ۱۳۸۶: ۴۳) خامساً: رویکرد نخست اسلام به مقوله جنگ آن است که نه تنها دین‌داران آغازگر جنگ نباشند بلکه جنگ فقط برای اهداف اسلامی و با رعایت حدود متعارف انسانی و اسلامی باشد. چنان‌که متفکران مسلمان نیز پیش از ظهور اندیشه حقوق بشردوستانه در غرب، به این موضوع پرداخته و توصیه‌هایی در این خصوص ابراز کرده‌اند؛ از جمله این افراد محمدبن حسن شیبانی (متوفای سال ۱۸۰ هجری) در کتاب «السیر الکبیر» در نیمه دوم قرن دوم هجری

می‌باشد. در بخشی از این کتاب، شیبانی نظراتی را مطرح کرده که به حقوق بشر دوستانه امروزی بسیار نزدیک است: «من الثابت للذین لا یقاتلون لایز عجون لا فی انفسهم و لا فی اموالهم و المتاجر تسیر فی طریقها فلا تجویع و لا منع للقتل عن الشعوب التی لا رای لها فی القتال و لیس لهم فیها ناکه و لا جمل». این عبارت، بیان‌گر مصونیت اشخاص و اماکن غیرنظامی در جنگ است و شرایطی را برای حفاظت از اماکن و اشخاص غیرنظامی در جنگ‌ها، تعیین می‌کند. (روحانی، ۱۳۹۶)

از دیگر امتیازات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه اسلامی که در ابعاد مختلف قابل ذکر است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. برابری در حقوق

یکی از تفاوت‌های اساسی حقوق بشر با حقوق بشر اسلامی تفاوت در حقوق می‌باشد بدین ترتیب که اعلامیه حقوق بشر نسبت به مذهب به صورت کلی اشاره و به جنبه عملی و کاربردی توجه دارد اما به تأمین زمینه‌های ارتقای روحیه ایمانی و حفظ دین و عقیده صحیح کاری ندارد و تکالیف را هم برای انسان بر نمی‌شمرد چرا که دغدغه حقوق بشر روشن نبودن و عدم رعایت حقوق انسان‌ها است که خود را ملزم به تبیین و تشریح آن‌ها دانسته است مقایسه بین ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، تفاوت این دو دیدگاه را به خوبی نشان می‌دهد. (معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج حقوق دانان، ۱۳۹۵: ۵)

۲. کرامت و حیثیت

در اعلامیه حقوق بشر، کرامت و حیثیت نه تنها هیچ پشتوانه منطقی و فلسفی ندارد بلکه معلوم نگردیده چرا انسان دارای این وصف می‌باشد هم‌چنین سخنی از تربیت روحی و کسب و ارتقاء اخلاقیات و فضایل انسانی به میان نیامده است در حالی که در حقوق بشر اسلامی ذکر شده است که اساس این کرامت به جهت مقام خلیفه الهی‌ای است که خداوند متعال به انسان اعطا نموده است. تلاقی کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه در این سخن رسول گرامی اسلام متجلی است که فرمود: اگر یکی از شما با دیگری به جنگ پردازد باید از آسیب رساندن به صورت او اجتناب کند زیرا خداوند چهره آدم را به تمثال خود آفرید (حنبل: ۲۵۱) در این منطق، حقوق انسان‌ها نیز مهم و قابل توجه می‌شود و حتی در جنگ و درگیری‌هایی که رخ می‌دهد کرامت انسانی افراد پا برجاست و باید حقوقی متناسب با این کرامت انسانی برای او در نظر گرفت (علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۴).

۳. منشأ قدرت حکومت

یکی دیگر از تفاوت‌ها در مورد حکومت و منشأ قدرت حکومت می‌باشد با استناد به بند ۳ ماده ۲۱ حقوق بشر، اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است که با انتخابات عمومی، صادقانه و با رعایت مساوات به صورت ادواری انجام می‌گیرد در حالی که مطابق با بند الف ماده ۲۳ حقوق بشر اسلامی ولایت (حکومت) امانتی است که استبداد و سؤاستفاده از آن شدیداً ممنوع است زیرا حقوق اساسی انسان از این راه تعیین می‌شود. ۴. تأکید بر نقش مذهب

حقوق بشر اسلامی ضمن تأکید بر نقش مذهب، دین اسلام را اصل و اساس بودن تمام اصول حقوقی می‌داند چنان‌که در ماده ۱۰ آن می‌خوانیم: اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان با بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نیست در حالی که حقوق بشر بدون توجه به مذهب در ماده ۱۸ بیان می‌دارد: هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است ...

۵. حق تابعیت جهانی

از منظر حقوق بشر هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد و نمی‌توان احدی را خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد این در حالی است که حقوق بشر اسلامی دارالاسلام را وطن تمام مسلمانان جهان می‌داند. (معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج حقوق‌دانان، ۱۳۹۵: ۷)

۶. حقوق خانواده

در بند ۱ ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر آمده است: هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت یا مذهب، با یکدیگر ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی هستند در حالی که طبق ماده ۶ حقوق بشر اسلامی زن و مرد در حیثیت انسانی برابرند و زن به همان اندازه که وظایفی دارد از حقوق خود نیز برخوردار و دارای شخصیت مدنی، ذمه مالی مستقل، حق حفظ نام و نسب خویش را دارد به علاوه نگهداری و پرداخت نفقه زن و فرزندان به‌عهده مرد می‌باشد.

حق حفاظت و نگهداری از افراد بی‌گناه (زنان و کودکان) و اسیران در هنگام جنگ و نیز مداوای زخمی‌ها و حرمت مثله کردن مردگان - دستورات صریح و تعالیم قرآن کریم، سیره و سنت ائمه حضرات معصومین (علیهم السلام) الگویی عملی برای تمامی انسان‌ها

در تمامی زمان‌ها می‌باشد. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌گردد این موضوع در ماده ۱۳ حقوق بشر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است در حالی‌که در اعلامیه حقوق بشر به آن توجهی نشده است بلکه بعدها در معاهدات ژنو مورد توجه قرار گرفت.

۷. حق جنین

از منظر حقوق بشر اسلامی، هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت کردن و تأمین مالی و بهداشتی و ادبی دارد در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آنان مبذول دارد. (بند الف ماده ۷)

۸. حق فضل و کرامت ناشی از عمل و عقیده

کرامت، موهبتی الهی است که در هیچ مکتبی به اندازه اسلام بر آن تأکید نشده است از منظر اسلام انسان احسن الخالقین (مومنون، ۱۴)، مسجود ملائک (بقره، ۳۴) و دارای کرامت است (اسراء، ۷۰) همه انسان‌ها نیز در ارزشمندی ذاتی برابرند و همه باید مورد احترام برابر قرار گیرند لذا عوامل عارضی هم‌چون: نژاد، ملیت، رنگ و... ملاک برتری و امتیاز انسان‌ها نمی‌باشد (حجرات، ۱۳) چرا که هدف اسلام و فلسفه بعثت پیامبران الهی (صلوات‌الله‌علیهم) آزادسازی انسان‌ها از قید و بندها و توجه دادن به حیثیت و کرامت و شرافت ذاتی انسان‌ها و انجام کار نیک و ایمان و اعتقاد صحیح است. (نمل، ۹۷- نساء، ۱۲۴- آل عمران، ۱۹۴)

از این منظر انسان دارای دو نوع کرامت است: کرامت ذاتی (فاذا سویته و نفخت فیه من روحی) که همه انسان‌ها در آن برابرند و کرامت اکتسابی که آن منزلت و جایگاهی است که انسان در سایه اختیار خود بدان دست می‌یابد این کرامت اختصاص به عده‌ای خاص از انسان‌ها دارد که در زندگانی خود به کمالات اختیاری دست پیدا می‌کنند این مهم نیز به صورت وسیع مورد توجه حقوق بشر اسلامی قرار گرفته است. هم‌چنان‌که در بند الف ماده ۱ حقوق بشر اسلامی آمده ... و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و... در حالی‌که حقوق بشر به صورت پراکنده و عام به آن اشاره دارد.

۹. حرمت اقدام به کاری یا استفاده از وسیله‌ای که باعث نابودی نوع بشر شود

از منظر حقوق بشر اسلامی، زندگی موهبتی الهی و حقی است که برای هر انسانی تعیین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت

کرده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی (بندب ماده ۲) بر این اساس استفاده از آتش، مواد سمی، روش‌های ناجوانمردانه و وسایل وحشیانه ممنوع می‌باشد.

۱۰. برهان پذیری

یکی از برتری‌های حقوق بشر اسلامی قابلیت برهان پذیری است. نظام حقوقی برهان پذیر، نظامی است که بتوان بر سودمند یا زیان‌بار بودن آن اقامه برهان کرد البته برهان عقلی نه تجربی، اسلام از آن‌جا که حقوق بشر غیرالهی مجموعه‌ای قواعد و مقررات اعتباری است که هرگز در امور واقعی و تکوینی ریشه ندارد پس هرگز نمی‌توان با استدلال آن‌ها را ثابت کرد چون ممکن است در جایی و زمانی پذیرفته شده و در جایی یا زمانی پذیرفته نشده باشد. (حاتمیان، ۱۳۹۳: ۶ و ۷)

۱۱. ضمانت اجرا

از منظر حقوق ضمانت اجرا هر قاعده حقوقی و قانونی یا بر مبنای ترس از شرمندگی یا ترس از کیفر می‌باشد و در صورت فقدان این دو، ضمانت اجرایی وجود نخواهد داشت از منظر اسلام خداوند متعال در همه حال ناظر و شاهد اعمال و گفتار انسان‌ها است (حدید، ۴- فجر، ۱۴) کوچک‌ترین اعمال و گفتار انسان‌ها ثبت و ضبط و اجر و نتیجه اعمال به خود انسان برمی‌گردد (زلزال، ۷ و ۸) و هیچ راه گریزی از محکمه الهی نیست از سوی دیگر حقوق بشر در اسلام به علت پایبندی به اخلاق برترین ضمانت اجرا را به همراه خود دارد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴: ۲۸۸)

۱۲. انسجام و هماهنگی

قرآن کریم می‌فرماید: اگر قرآن کریم کتاب خدا نبود بی‌تردید در آن ناهماهنگی فراوان می‌یافتند. (نساء، ۸۲) از آن‌جا که حقوق بشر اسلامی نیز از سوی خالق فطرت و قادر متعالی که به تمامی نیازها و احوالات و ضروریات بندگان آگاهی کامل دارد وضع گردیده است، کامل و دارای سازگاری، هماهنگی و انسجام است در حالی که اعلامیه‌ها و اسناد بشری به ویژه اعلامیه‌های حقوق بشر هرگز دارای هماهنگی و انسجام نبوده‌اند و به دلیل منشأ انسانی در طول زمان، اصلاح یا تکمیل می‌گردند.

۱۳. ابزار سنجش حق از باطل

یکی از امتیازات برجسته حقوق بشر اسلامی، ابزار سنجش حق از باطل است از منظر اسلام بهترین ابزار سنجش در نظام حقوقی، خود انسان است هم‌چنان‌که سیدالشهدا (ع) می‌فرمایند: "آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و آنچه برای خود

نمی‌پسندی برای دیگران نیز نپسند" این معیار بهترین سنجش حق و باطل حقوقی است.
(جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۴۰ و ۲۵۶)

۱۴. عدم مقابله به مثل

علی‌رغم ممنوعیت صریح حق مقابله به مثل در اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه (کنوانسیون ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷) در حقوق بین‌الملل عرفی، کشورها چنین حقی را برای خود قائلند. در صورتی که در متون اسلامی مقابله به مثل، به ویژه علیه غیرنظامیان مطرود است.

مقررات اسلام در مورد حقوق زمان جنگ، هم در مورد جنگ‌های داخلی و هم در مورد جنگ‌های خارجی و بین‌المللی اعمال می‌شود. در صورتی که جامعه بین‌الملل مرکب از کشورها حقی را برای شورشیان و مبارزان داخلی به رسمیت نمی‌شناسند. چه آن‌که هر آینه بیم آن می‌رود که شناسایی چنین حقوقی به مفهوم پیدایش یک شخصیت حقوقی مجزا از دولت موجود و مهر تأییدی بر مبارزات شورشیان باشد. (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

۱۵. جنگ عادلانه

در نظریه جنگ عادلانه هدف مشروع و نیت خدایی (فی سبیل الله) است و شروع جنگ به دلیل بسط و گسترش عدالت و ترویج اسلام، دفاع از حریم مسلمانان، فریاد خواهی مظلوم و مستضعفان و دفع تجاوز اعم از تجاوز به ناموس، مال، استقلال، آزادی و حتی تجاوز به ارزش‌ها می‌باشد. (مطهری، ۱۳۵۰: ۲۲) هم‌چنین آغاز جنگ با دستور و هدایت مرجع صالح و دولت مشروع (پیامبر (ص)، امامان معصوم علیهم‌السلام و اولوالامر) می‌باشد. در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، طرف تعهد در رعایت حقوق بشردوستانه، جامعه بین‌المللی است اما در نظام حقوق اسلامی این تعهد در برابر خداوند نیز وجود دارد و به انجام آن تعهد باید به عنوان تکلیف در برابر معبود نگریسته شود بدیهی است چنین رویکردی به تعهدات حقوقی، ضمانت اجرای مضاعفی در تأمین مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه فراهم می‌آورد. (عزیزی، ۱۳۹۲: ۹۴)

۳. بند سوم: تعامل یا تقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با دین

یکی از مباحث چالش برانگیز در عصر حاضر که منجر به ارائه نظرات و دیدگاه‌های متعدد از سوی پژوهشگران و اندیشمندان دینی و غیردینی شده است ارتباط، تعامل یا تقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با دین می‌باشد برخی از مهمترین نظریه‌ها عبارت‌اند از:

۳-۱. نظریه دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دینی، مرکزیت و محور اصلی خداوند است و این انسان است که باید حیات و فکر و عمل خود را در راه صراط‌المستقیم و جهت تقرب و وصول به خدای تعالی بسازد حقوق بشر استنباط شده از ادیان الهی و در چارچوب اراده و فرمان الهی است لذا نمی‌تواند از تمام اعتبارات و حیثیات صرف نظر کند وقتی از حقوق بشر در اسلام صحبت می‌شود بشر مطلق نمی‌باشد، بشری است که در ارتباط با خدا محور قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۴۹۲ و ۴۹۳) هم‌چنین مشروعیت رعایت حقوق انسان‌ها از وحی الهی یا مرجع قانون‌گذاری ویژه ناشی می‌شود درحالی‌که در غرب بدون استناد به هرگونه مرجعی، مشروعیت را در خود انسان و کرامت وی یافتند.

در حقوق بشر دینی ارزش و اصالت جامعه نادیده گرفته نمی‌شود زیرا انسان‌ها به‌عنوان اعضای جامعه از درد و رنج متأثر یکدیگر می‌گردند از این‌رو ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی در افراد متجلی می‌گردد در حالی‌که در اندیشه غرب محور و اساس انسان است حقوق بشر تسلیم هیچ محدودیتی نمی‌شود تا بتواند اطلاق خود را حفظ کند. این تفکر به ماقبل سقراط برمی‌گردد، اساطیر یونان و بعد از آن تمام مکاتب فلسفه، از مبدأ این اصل حرکت کردند تا اینکه رفته رفته در سنت مسیحی اروپایی، اعتقاد انسان‌گرایی جایگزین خدا محوری شد. (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۴۹۲ و ۴۹۳)

بر این اساس برخی بر این باورند که علی‌رغم ظاهر سکولار و غیردینی اسناد حقوق بشر، آن‌ها ریشه در دین دارند و به طور مطلق از دین منفک نیستند. آنان چنین استدلال می‌کنند که در اسناد حقوق بشری اگرچه اشاره‌ای به دین به عنوان منبع و مرجع نشده است لکن سیر تحول قواعد حقوق بشر از حقوق طبیعی به حقوق موضوعه بیان‌گر آن است که حقوق موضوعه بشر به شکل امروزی در قبل و بعد از جنگ جهانی دوم به شکل جهانی امروز وجود نداشته است. به‌علاوه هیچ ادله‌ای نیز بر وجود ارتباط بین حقوق بین‌الملل قبل و بعد از دوره وستفالیایی در قرن ۱۷ وجود ندارد. در واقع با بررسی

کارهای گروسیوس که پدر حقوق بین‌الملل امروز دانسته می‌شود، می‌توان دریافت که بخش عظیمی از منابع و ارجاعات در حمایت از استدلات حقوقی خود را با استناد به متون دینی مسیحی انجام داده است. زیرا برخی از شرق شناسان برآند: گروسیوس "پدر حقوق بین‌الملل" تحت تأثیر نوشته‌های شیبانی (که با واسطه ابوحنفیه شاگرد امام صادق (ع) است) یعنی السیر الکبیر، کتاب حقوق جنگ و صلح را نگاشته است چه آن‌که وی در سال ۱۶۴۰ در آستانه ترکیه دوران تبعید خود را گذراند و موفق گردید از کتابخانه‌های آن دیار که مشحون از کتب اسلامی است بهره‌مند گردد. هم‌چنین گروسیوس از آثار پیشینیان خود به ویژه فرانسیسکو سوارز بهره برده که آنان نیز در نوشته‌های خود از نوشته‌های مسلمانان سود برده‌اند. (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۳) در زمان واتل در اواسط قرن ۱۸ ارتباط مستقیم بین منابع دینی و حقوق بین‌الملل با حقوق طبیعی جایگزین شد (Rehman & Breau, 2007: 116, 117) به علاوه قواعد حقوقی دینی به تدریج در طول زمان به قواعد حقوق طبیعی تبدیل شده و این قواعد نیز به حقوق موضوعه امروزی مبدل شده‌اند. بنابراین ارتباط بین ماهیت دینی و حقوق طبیعی با حقوق موضوعه امروزی امری غیرقابل انکار است و قواعد دینی کاملاً از قواعد حقوقی منفک نشده‌اند هر چند حقوق بشر امروزی تا حد زیادی سکولار و غیردینی شده است، قوانین اساسی کشورها نیز یا کاملاً سکولار و غیردینی هستند و یا به طور سمبولیک اشاره به دین و مذهب کرده‌اند و یا قوانین اساسی‌ای هستند که صریحاً دین مشخصی را مبنای مشروعیت و قانون‌گذاری در کشور تعیین کرده‌اند. در حالی که برخی از کشورهای اسلامی قوانین اساسی تدوین شده‌اند که حقوق اسلامی را منبع و مرجع قانون‌گذاری در کشور تعیین کرده‌اند. روابط خارجی در این کشورها مبتنی بر اسلام و تعهدات اسلامی و تعهدات بین‌المللی است. در زمان تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا نیز از سوی کلیسا پیشنهاد شد که علاوه بر ارجاع به دین در این قانون می‌بایست ماهیت سنن مذهبی به رسمیت شناخته شود. این پیشنهاد پذیرفته نشد و صرفاً در مقدمه این قانون به الهامات فرهنگی و مذهبی که میراث ارزشی در اروپا تلقی می‌شود و در زندگی اجتماعی و فردی منشأ حقوق غیرقابل انکار و احترام به قانون است، اشاره شد.

در اسناد بین‌المللی نیز مانند اعلامیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸ همانند نظر کمیته طراح اعلامیه، حقوق‌دانان معتقدند که اعلامیه صرفاً بر اساس فرهنگ غربی تدوین نشده بلکه فرهنگ‌های اسلامی مسیحی و سایر فرهنگ‌ها و زمینه‌های فلسفی و نظری در آن دخیل بوده‌اند. به‌طور مثال در خصوص "شرایط جنگ عادلانه" اظهار می‌دارند: آیه‌ای از انجیل

است که به سربازان و جنگجویان هر لشکری این حق را می‌دهد که بتوانند در مورد عادلانه و مشروع بودن یک جنگ قضاوت کنند و بر مبنای این قضاوت تصمیم به حضور یا عدم حضور در آن جنگ بگیرند. فصل پنجم از انجیل هبرو^{۱۸} نیز آن‌جا که سرود دبر^{۱۹} را روایت می‌کند اشاره‌ی مستقیم به جنگ عادلانه می‌کند و به بیان ویژگی‌های آن در عنوان جنگ مقدس می‌پردازد. سنت آگوستین^{۲۰} در زمره کسانی است که در نوشته‌هایش برای نخستین بار به طور مشخص و با ذکر جزئیات به تبیین ایده‌ی جنگ عادلانه در آیین مسیحیت پرداخت. این ایده بعدها توسط مشاهیری چون سیسرو^{۲۱} توماس آکیوناس^{۲۲} و هوگو گروسوس^{۲۳} توجه قرار گرفت و در چارچوب یک عرف بنیادی در حقوق بین‌الملل مطرح شد (Fixdal & Dan, 1998: 283,312)

هم‌چنین در طراحی میثاقین حقوق بشری نیز که با حضور تعداد پرشماری از کشورهای آسیایی و آفریقایی انجام شد برای اولین بار به حقوق جمعی بشری مثل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها که ادیان الهی نیز بر آن تأکید دارند اشاره شده است. (امین‌زاده، الهام، ۱۳۹۱: ۶ و ۹)

به اعتقاد قاضی کریستوفر فرج‌ویرامانتری نایب رئیس پیشین دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) هرگونه مطالعه در حقوق بین‌الملل غربی مبتنی بر فرض تلویحی است که این غرب بوده است که منشأ پیشرفت حقوق بین‌الملل بوده است و اساساً حقوق بین‌الملل از ابتکارات غربی‌ها بوده است این نتیجه‌گیری به دلایل زیر قابل پذیرش نیست نخست: برخورداری دیرینه از مجموعه مقررات حقوق بین‌الملل رشد یافته از سوی حقوق دانان اسلامی که در متون و کتب علمی به رشته نگارش درآمده است واقعیتی غیرقابل بحث است.

دوم: جاری شدن دانش در کلیه حوزه‌های علمی و فلسفی از طرف جهان اسلام به سوی باختر زمین دست کم پس از قرن یازدهم میلادی واقعیت انکارناپذیر دیگر محسوب می‌شود.

سوم: قاعده اساسی حقوق بین‌الملل غربی - اصل وفای به عهد^{۲۴} که از سوی گروسوس در قرن هفدهم میلادی مطرح گردید یکی از قواعد اساسی حقوق بین‌الملل اسلامی است که از آغاز مبتنی بر دستورات قرآنی و سنت اسلام بوده است. (موسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۵)

چهارم: تماس بین تمدن مسیحی و اسلامی چه در هنگام جنگ و چه در هنگام صلح به قرن‌ها پیش از جنگ‌های صلیبی باز می‌گردد افرادی چون صلاح‌الدین ایوبی و دیگر مسلمانان که با رعایت اصول حقوق بین‌الملل اسلامی هم‌زیستی اجتماعی داشتند. به‌علاوه

این مفاهیم در آینده مقررات حقوق بازرگانی، بازرگانی باختر زمین را تحت تأثیر قرارداد به رغم وجود چنین پیشینه‌ای غیرواقع‌بینانه است چنان‌چه عنوان شد غرب از مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل تدوین شده توسط حقوق‌دانان اسلامی بی‌اطلاع بوده است. پنجم: دانشمندان غربی به هنگام گام نهادن به سوی فرهنگ درخشان و تجدید حیات فکری‌ای که اروپا را به قله برتری جهانی رساند تنگ‌نظر نبوده‌اند آن‌ها سنت علوم انسانی، ادبی و حقوقی خود را بر پایه بنیان‌هایی که ریشه در تمدن یونان و روم داشت عاریت گرفتند. در ارتباط با رشته حیاتی حقوق بین‌الملل، هیچ ادبیاتی در یونان و روم قابل قیاس با حقوق خصوصی نبود. در یونان و روم، متونی که به مسائل حقوق بین‌الملل هم‌چون تکالیف متخاصمان، حقوق غیرمتخاصمان و یا نحوه استفاده از اموال دشمن پرداخته باشد وجود ندارد، تنها متون ادبی موجود در این زمینه متون اسلامی می‌باشند.

وی حقوق بین‌الملل غربی را متأثر از آگاهی و شناخت دانشمندان قرن پانزدهم و شانزدهم به ویژه دانشمندان ایتالیایی و اسپانیولی به زبان و ادبیات عرب می‌داند و در پایان نتیجه می‌گیرد که با توجه به این که اکنون شمار قابل توجهی از ملل اسلامی عضو سازمان ملل متحد می‌باشند دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند حقوق بین‌الملل اسلامی را به عنوان یک مجموعه دانش بشری نادیده بگیرد (G.christopher Weeramantry, G, 1988: 149,150)

هم‌چنین برخی از دانشمندان با ملاحظه بررسی جایگاه اسلام در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و نیز خلأ غیرقابل توجیه هزار ساله بین دوره رومی تا انتشار کتاب حقوق جنگ و صلح اثر گروسیوس پدر حقوق بین‌الملل و حقوق‌دان هلندی در سال ۱۶۲۵ نتیجه گرفتند این خلأ یا فاصله به واسطه نفوذ مفاهیم حقوقی اسلامی که قرن‌ها پیش از تدوین حقوق بین‌الملل توسط اروپایی‌ها شکل گرفته بودند پر می‌گردد. آنان هم‌چنین اذعان می‌دارند دقیقاً در همین فاصله زمانی که دوران اوج اسلام و شکل‌گیری تمدن غرب می‌باشد نویسندگان اروپایی حلقه مفقوده، پیشگام در رشته حقوق بین‌الملل معترف به احیای ایجاد شده توسط تأثیر اسلام بوده‌اند^{۲۵} هم‌چنان‌که بخش دهم کتاب گرسیوس در مورد اعاده اموال ضبط شده توسط دشمن گواهی می‌دهد متأثر از آثار و کتب عربی بوده و خود اذعان می‌دارد این مفهوم در حقوق اسلامی شناخته شده است (-Sharif fuddin, 1981: 149,150) هم‌چنین بارون دوتوب^{۲۶} در سال ۱۹۲۶ در آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه سخنرانی داشت عنوان کرد مقررات حقوق بین‌الملل معاصر راجع به اعلامیه‌های جنگ مستقیماً از نظریه اسلامی نشأت گرفته و سپس از طریق کلیسای

مسیحی و مقررات جدید جنگ وارد مقررات شوالیه‌ها در دوران صلیبی می‌گردد. برخی از دانشمندان غربی معترف به تأثیر اسلام بر حقوق بین‌الملل معاصر می‌باشند لیکن به طور کلی به آن توجه کمی به این موضوع کرده‌اند. (موسی زاده، ۱۳۸۳: ۶۸) چنان‌که محمد بجاوی رئیس پیشین دیوان بین‌المللی دادگستری در بخشی از سخنانش در مورد نقش و تأثیر اسلام بر حقوق بین‌الملل معاصر اظهار می‌دارد: قدیمی‌ترین کتاب قانون در زمینه حقوق بین‌الملل "الکتاب المجموعه" اثر زید ابن علی در گذشته در تاریخ ۷۳۸ میلادی می‌باشد. یک فصل از این کتاب تحت عنوان سیر به قواعد ناظر بر روابط بین مسلمانان و غیرمسلمانان در هنگام صلح و جنگ اختصاص دارد. سرخسی حقوقدان بزرگ در سال ۱۰۹۰ میلادی نیز یک اثر چهار جلدی در زمینه حقوق بین‌الملل از خود به جای گذاشته است ... به رغم این آثار، جهان غرب یا غافل به نقش اعراب و اسلام در شکل‌دهی حقوق بین‌الملل بوده است یا آن را نادیده گرفته است. حتی امروزه در سراسر جهان، قریب به اتفاق کتاب‌های مربوط به حقوق بین‌الملل با کوتاه کردن مسیر تاریخ حقوق بین‌الملل ضمن اشاره به نقش دوران یونان و روم بدون در نظر گرفتن نقش اسلام از قرن هفتم تا پانزدهم میلادی، تاریخ یاد شده را ترسیم می‌کنند. قاضی بجاوی برای مثال بیان می‌دارد: ارنست نیس^{۲۷} حقوقدان بلژیکی که چهارصد صفحه به منابع حقوق بین‌الملل^{۲۸} اختصاص داده است و بیش از پانزده جلد کتاب در زمینه مطالعات تاریخی مربوط به دیپلماسی، حقوق جنگ و نظریه‌های حقوق بین‌الملل منتشر کرده است، چند صفحه‌ای نیز به نقش و سهم اسلام در حقوق بین‌الملل اختصاص دهد لیکن خیر، این چنین نبوده است تنها در مقدمه کتاب نامبرده، ناگهان گام بزرگی را در واحد زمان برمی‌دارد و شش تا هفت قرن از تاریخ مدیترانه را که اساساً متأثر از روابط بین اسلام و اروپا بوده است در هاله‌ای از تاریکی قرار می‌دهد. ارنست نیس می‌نویسد: "تمدن عهد عتیق در قرن ششم ناپدید می‌شود تولد روح اروپایی در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم دوباره شکل می‌گیرد در دوره بینابینی سنت فکری توسط آنچه که اصطلاحاً علم عربی نامیده می‌شود، منتقل می‌شد." هیچ مطلب بیشتری در این چهارصد و چهارده صفحه به چشم نمی‌خورد و به طور کلی سهم مسلمانان در شکل‌دهی حقوق بین‌الملل در چند جمله خلاصه می‌شود (موسی زاده، ۱۳۸۳: ۷۰ و ۶۹)

از طرفی قوانین و مقررات دین مبین اسلام که ریشه فطری و الهی دارد در بسیاری از مواضع با موارد مطرح شده در ایده جنگ عادلانه در مسیحیت هم‌سویی و اشتراک داشته و در برخی موارد از این اصول مشترک فراتر رفته و خود مبدع تعالیم و احکام

و سنت‌های جدیدی در راستای نظریه حقوق بشردوستانه شده است. تعالیمی که در آن بشری مد نظر است که در ارتباط با خدا قرار گرفته این تعالیم، مورد استناد و عمل کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی قرار گرفته است مواد دهم، یازدهم، سی و پنجم، چهل و چهارم، پنجاه و یکم، پنجاه و چهارم، شصتم، هفتاد و پنجم، هفتاد و هشتم مندرج در پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مورخ ۱۶ اوت ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مصوب ژوئن ۱۹۹۷ میلادی^{۲۹} به‌طور مستقیم در راستای اصول برخاسته از حقوق اسلامی است که در نظریه و عمل مورد تأیید آیین الهی بوده است. (حسن خانی، ۱۳۸۵: ۱۱۵ و ۱۱۶)

در سایر ادیان الهی نیز علی‌رغم اشتراک در اصول فراوان دینی هم‌چون: ایمان به خدای واحد، انحصار ربوبیت در خداوند، خلیفه الهی و اشرف مخلوقات بودن انسان، تقوا و عمل صالح، به جهانیان به چشم برابر می‌نگرند و در رسالت مقدس خود به اشاعه ایده کرامت، محبت و عدالت متعهدند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۱۴۰ و ۱۴۵)

به‌طور مثال در آیین زرتشت حقوق بشر در اصولی هم‌چون آزادی اندیشه، آزادی درگزینش دین و... این مفاهیم حقوق بشری از آزادی مسکن، رفت و آمد، احترام به حقوق زنان و دیگران، گیاهان، جانوران و امنیت، متجلی است در مذهب یهود از متن ده قانون در باب بیستم کتاب تورات چهار فرمان حقوق خداوند و بقیه حقوق انسان‌هاست یا در انجیل متی باب پنجم آیات ۳۸-۴۰ آیه ۲۸ باب یازده و آیه ۵۰ باب دوازدهم، مضامین حقوق بشری و مخالفت با تبعیض نژادی و برادری همه ملل و قبایل مشهور است (جنیدی، ۱۳۸۰: ۱۶ و ۲۱). هر چند تفاوت ظاهری در فروعات و عمل ادیان الهی که به دلیل نحوه عملکرد و اهداف و اغراض حکمرانان است موجب تفاوت‌هایی گردیده است مع ذلک با تقریب و گفتگوی آزاد تمدن‌ها می‌توان از تعالیم و معارف ادیان الهی جهت توسعه کرامت انسانی و زدودن موارد تبعیض و نقض حقوق بشر بهره جست. از سویی با ملاحظه اسناد تاریخی در زمینه حقوق بشر معلوم می‌گردد پیشتر از تلاش‌های انسانی، تعالیم الهی به ویژه دین اسلام تأثیر بسزایی در روند تکاملی جوامع بشری داشته‌اند، به طوری که در بسیاری موارد این تأثیرات فراتر از جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها رفته و مقولاتی مانند نحوه تعامل، صلح و جنگ ملل را در برمی‌گیرد مقولاتی که شالوده حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. با این حال نظریه دیگری نیز مطرح گردیده است که در این مجال به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۲. نظریه فرا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

بر اساس دیدگاه فرا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

۱- دین همانند لباسی است که در آن کلیه نیازها و توانایی‌ها لحاظ شده است.

۲- شناخت انسان در توان آدمی است و از طریق این شناخت می‌توان به نیازهای وی

پی برد و هم‌چنین محدوده انتظاراتش را تعیین ساخت.

۳- انسان به دو گونه نیازمند دین است: نیازهایی که دست‌یابی به آن‌ها خارج از توانایی انسان است و نیازهایی که بشر در برخی موارد از طریق تجربه می‌تواند آن‌ها را آزمایش کند (میرموسوی، ۱۳۷۶: ۱۵۹ و ۱۶۰). طرفداران این نظریه چنین استدلال می‌کنند که حقوق به دو دسته اصلی فطری و موضوعه تقسیم می‌شود. حقوق فطری آن دسته از حقوقی هستند که به نحو تاریخی، تکوین و تکامل یافته و آمال و آرزوی ملت‌ها را منعکس می‌سازد و فراتر از اراده قانون‌گذاران است و طبقات حاکمه به ناچار این حقوق را به مثابه مفاهیم متعالی غیرقابل تجاوز و انکار به رسمیت می‌شناسند. از این دیدگاه آنچه در قوانین اساسی کشور تحت حقوق ملت مطرح است در واقع حاصل اراده و اندیشه قانون‌گذاران نیست بلکه قانون‌گذاران، این حقوق را با ریختن در قالب قانون اساسی به رسمیت می‌شناسند و دولت‌ها را مکلف و متعهد به مراعات آن می‌نمایند. بر این اساس انسان‌شناسی مقدم بر دین‌شناسی است و فهم ما از دین منطبق بر مبانی انسان‌شناسی پیشین می‌باشد ثانیاً هرآنچه در دو حوزه یاد شده نباشد داخل در دین است^{۳۰} بر حسب این دیدگاه رسالت دین صرفاً بیان ارزش‌های کلی است.

برخی از صاحب‌نظران نیز چنین استدلال می‌کنند حقوق بشر فرا دینی و فطری است لذا برای بررسی تاریخی ریشه حقوق بشر باید به عصر طلایی تجلی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی باید به دوران آتن مراجعه کرد چرا که بعد از شکوفایی تمدن آتن در عصر قرون وسطی مفهوم حقوق بشر به شدت مورد تجاوز و تعدی قرار می‌گیرد و موضوعیت خود را از دست می‌دهد تا این که بعد از جنگ‌های جهانی مجدداً مورد توجه قرار می‌گیرد.

(محقق داماد، ۱۳۷۸: ۴۷۹)

نتیجه گیری

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی و الهی حقوق بشر یکی از کامل ترین و قدیمی ترین اسناد مدون در حقوق بشر و از جمله منابع فقه و حقوق اسلامی به شمار می آید. در همان نخستین سال های نزول قرآن کریم کار تدوین و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر انجام گرفت بر این اساس تاریخ تدوین حقوق بشر اسلامی دهه دوم قرن اول هجری و دهه های آخر قرن هفتم میلادی می باشد. از سویی با جمع آوری و تقریر فرمایشات پیامبر اسلام (ص) و تدوین سیره و سنت ائمه معصومین (علیهم السلام) مبانی و ریشه های حقوق بشر در لابه لای کتب حدیث و سیره مطرح و سرلوحه زندگی دین داران گردید در خصوص مسائل نوظهور در ادوار مختلف نیز علماء و فقهای اسلامی با استناد به فقه پویای اسلامی به ویژه تشیع از طریق اجتهاد، احکام و دستورات لازم را صادر می کردند. از این رو حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه اسلامی با منشأ الهی، قدیمی ترین، کامل ترین و بهترین الگو برای تمامی ملل در تمامی زمان ها می باشد.

همچنین با ملاحظه نحوه تدوین حقوق بشر (۱۹۴۸) و حقوق بشر دوستانه (۱۹۹۶) دریافتیم این دو با هدف حمایت از کرامت و شأن انسانی و تضمین حقوق اساسی انسان ها در پاسخ به جنگ و کشتارهای فراوان از سوی اندیشمندان خیرخواه و دلسوزان جامعه انسانی وضع گردیدند که به دلیل منشأ انسانی و محور قراردادن انسان، مصون از نقص و کاستی نبودند و در طول زمان اصلاح، تخصیص یا تکمیل می گردند. با مطالعه اسناد تاریخی، کتب و آثار به جا مانده از اندیشمندان و نظریه پردازان این حوزه نیز معلوم گردید خاستگاه این حقوق به دلیل ظلم و ستم انسان ها در ادوار تاریخی، فطری نبوده بلکه متأثر از تعالیم ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام می باشند هم چنان که برخی از فلاسفه و اندیشمندان غرب در آثار و گفتار خود به این مهم اذعان نموده اند. با این حال به دلیل رواج تفکر سکولاریسم، نفوذ اغراض، منافع و مصالح غربیان، عملاً غربی و غیردینی می باشند. به نظر می رسد در عصر حاضر می توان با تکیه بر اصول مشترک ادیان الهی و تقریب و گفتگوی آزاد تمدن ها از تعالیم و معارف ادیان الهی به ویژه دین اسلام جهت تکمیل و توسعه کرامت و حقوق انسانی و نیز زدودن موارد تبعیض و نقض حقوق بشر بهره جست.

۱۰۷

دانشنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

فرادینی با دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه
ناهید محمدزاده و همکار

یادداشت‌ها

- 1-The law of war
- 2-The law of Armed confl.ct
- 3-Jus in Bello
- 4-Jus and Bell um
- 5- The Hague law
- 6-The Gener a law

۷- مقررات لاهه، دستورالعمل‌های سن رمو، بخش پنجم، بند الف بیان می‌دارد: حقوق بشردوستانه به معنای قوانین بین‌الملل است که حقوق طرفین درگیر را در استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی به انتخاب خود محدود می‌کند یا از کشورهای غیر درگیر یا اشخاص یا اهدافی که به گونه‌ای تحت تأثیر درگیری قرار می‌گیرند، محافظت می‌کند.

۸- مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل شماره یک آن اعلام می‌دارند که مقررات‌شان در صورت بروز مخاصمه میان دو یا چند دولت لازم‌الاجرا می‌شود حتی اگر وجود مخاصمه از سوی اطراف مخاصمه مورد پذیرش قرار نگیرد. در این فرض به واقعیت عینی توجه می‌شود و وجود مخاصمه مسلحانه نیاز به اطلاع، اعلان یا پذیرش جنگ از سوی متخاصمین ندارد. بنابراین قلمرو اجرای کنوانسیون‌های ژنو شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یعنی جنگ بین دو یا چند دولت می‌باشد. اما پروتکل شماره ۱ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، مخاصمات مسلحانه که در آن خلق‌ها بر ضد سلطه استعمار و اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خود مبارزه می‌کنند را نیز به مخاصمات بین‌الملل ملحق می‌سازد.

۹- مخاصمه مسلحانه داخلی عبارت از درگیری میان نیروهای مسلح منظم یک دولت و نیروهای مسلح شورشی می‌باشد. امروزه مخاصمات مسلحانه اغلب داخلی بوده و غالب قربانیان آن‌ها هم غیرنظامی می‌باشند. مسایل حقوقی ناشی از حقوق مخاصمات داخلی می‌تواند بسیار پیچیده‌تر از حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باشد، زیرا علاوه بر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، حمایت از اشخاص و اموال نیز مطرح می‌باشد، این مسأله سبب شده است که در کنوانسیون چهارگانه ژنو مخاصمات مسلحانه داخلی با عنوان یک پدیده حاشیه‌ای لحاظ گردد و فقط ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون به این امر توجه نماید این خلأها سرانجام تا حدودی با انعقاد پروتکل شماره ۲ سال ۱۹۷۷ از بین رفت.

۱۰- هوگو گروسیوس (Grotius) حقوق‌دان هلندی که از او به عنوان پدر علم حقوق بین‌الملل یاد می‌کنند، در تدوین و تحریر مباحث کتاب معروف خود "حقوق جنگ و صلح" متأثر از آثار و کتب عربی-اسلامی می‌باشد.

۱۱- فرانسیس لیبر (Francis Lieber, 1800-1872) حقوق دان، فلیسوف، سیاست‌مدار و مؤلف دیکشنری آمریکایی و بیش از ۴۰ جلد کتاب می‌باشد وی آلمانی‌الاصل و ساکن آمریکا بود و در آثارش به‌طور مؤثری قوانین جنگ را به جنبه انسانیت و بشری بودن نزدیک کرد.

۱۲- ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau, 1778-1712) یکی از نخستین روشنگرانی است که مفهوم حقوق بشر را به‌طور مشخص به کار گرفت، اما نزد او از این مفهوم تنها می‌توان به معنایی ویژه و محدود سخن به میان آورد. در مجموع باید گفت که وی رادیکال‌تر از هابس و جان لاک و شارل دو مونتسکیو می‌اندیشید. شاید به همین دلیل است که برخی از پژوهشگران تاریخ اندیشه، وی را اساساً در تداوم سنت فکری عصر روشنگری نمی‌دانند، بلکه اندیشه او را بیشتر در نقد فلسفه روشنگری ارزیابی می‌کنند. برای روسو، صرف‌نظر کردن انسان از آزادی، به معنی صرف‌نظر کردن از خصلت انسانی و «حق بشری» است. روسو تلاش می‌کند، نوعی هماهنگی میان آزادی فردی و جمعی ایجاد نماید. وی این کار را در اثر معروف خود قرارداد اجتماعی که در سال ۱۷۶۲ میلادی نوشته شد، انجام می‌دهد.

۱۳- روسو در این باره می‌گوید: «ایجاد جنگ در نتیجه روابط انسان‌ها نبوده بلکه تضاد منافع یک دولت با دولت دیگر آن را به وجود می‌آورد و در این جنگ‌ها تمام سربازان به طور اتفاقی با هم دشمن شده‌اند. هنگامی که جنگ تمام شود آن‌ها هیچ دشمنی با هم ندارند. آن‌ها سربازانی بوده‌اند که برای دفاع از خود جنگیده‌اند اما در اصل هر دوی آن‌ها هم‌وطن بوده‌اند و یکدیگر را دوست می‌داشته‌اند. در ادامه به برخی از قواعد لازم‌الاجرا در جنگ مانند حفاظت از جان اسرای جنگی و غیر نظامیان، لزوم حفظ جان افراد بعد از ترک محاصره و سایر قوانین و مقررات اشاره می‌کند.

14-Natural Law

15- Rights of man

16 -Armed Conflict

۱۷- حقوق لاهه (ویژه مقررات مربوط به قواعد و آداب جنگ زمینی) و حقوق ژنو (حمایت از قربانیان جنگ شامل کنوانسیون‌های ۱۸۶۴، ۱۹۰۶، ۱۹۲۹، ۱۹۴۹) می‌باشد

18-Hebrew bible

19-Song of deborah

20-Saint Augustine

21-Cicero

22-Thomas Aquinas

23-Hugo Grotius

24-Pacta sunt servanda

۲۵- نویسندگان اروپایی پیشگام در رشته حقوق بین‌الملل مانند پی‌یر بللو (Pierre Bello) آیالا (Ayala)، ویتوریا (Vittoria) جنتیلیس (Gentilis) و دیگران که از کشورهای چون اسپانیا و ایتالیا بودند معترف به احیای ایجاد شده توسط اسلام بوده‌اند. این نویسندگان حلقه مفقوده بین دوره روم و دوره معاصر محسوب می‌شوند.

26 - Baron do Taub

27 - Ernest Nys

28 - Ies origins du droit international

۲۹- برای مطالعه بیشتر در خصوص قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن ر.ک. آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱

۳۰- این دیدگاه توسط دکتر سروش در دروس کلام جدید مطرح شده است.



منابع

- قرآن کریم

- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۳)، «جهان شمولی حقوق بشر در اسلام»، *معرفت فلسفی*، قم: موسسه امام خمینی (ره)، ش ۷.

- جلالی، غلامرضا (۱۳۹۲)، *مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشر دوستانه*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ ۲.

- قربان نیا، ناصر، «اصول حاکم بر حقوق بشر دوستانه در پرتو قرآن کریم»

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر*، قم: نشر اسراء، چاپ اول.

- جنیدی، فریدون (۱۳۸۰)، *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان*، در *مجموعه حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، پژوهش و تدوین محمد بسته‌نگار، شرکت سهامی انتشار

- حنبل، احمد، *المسند*، بیروت: المکتب الاسلامیه، ج ۲

- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۱)، *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مسائل حقوق بین‌الملل بشر*، تهران، بخشی از پیام خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد.

- فیرحی، داوود (۱۳۸۴)، «اسلام و حقوق بشر، گزارش نشانه‌شناختی، مبانی نظری حقوق بشر»، *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر*، مرکز مطالعات حقوق بشر، قم: دانشگاه مفید.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.

- کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران (۱۳۸۹)، **۱۰ گفتار در مورد اعلامیه حقوق بشر** (مجموعه مقالات)، انتشارات کمیسیون حقوق بشر اسلامی، انتشارات آیین احمد، سفید پری، پریسا، مقاله «ماهیت حقوق اعلامیه جهانی حقوق بشر» صفاری نیا، مهزاد، مقاله «محدودیت‌های وارده بر حقوق و آزادی‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر»، چاپ اول.
- کمیته ملی حقوق بشر دوستانه (۱۳۸۲)، **بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی**، ضیایی بیگدلی، محمدرضا، مقاله «حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل بشر»، نشر نسیم.
- گروه حقوق بشر دوستانه مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (۱۳۸۶)، **مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه**، بخشی از سخنرانی تونی فانر در همایش بین‌المللی بشر دوستانه قم.
- لطفی، عبدالرضا و اخگری بناب، نادر و فقهی، محمدرضا (۱۳۸۸)، **بررسی تحقیقی حقوق بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی** (اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه)، انتشارات هستی نما، چاپ اول، جلد ۱.
- معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج حقوقدانان (۱۳۹۵)، **کتاب سال حقوقدان**، تهران
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۴)، **سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر در اسلام**، انتشارات تابان، چاپ اول.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۸)، **دین، فلسفه، قانون**، به کوشش علی دهباشی، انتشارات شهاب ثاقب، چاپ اول.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، **ایمان و آزادی**، انتشارات طرح نو.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۰)، **جهاد**، تهران: صدرا.
- ساکی، علیرضا (۱۳۸۷)، «ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری**، شماره ۴۹ و ۴۵.
- ستاری، عزیز (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشر دوستانه در نهج البلاغه و گزارش قواعد فقهی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه»، شماره یکم.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر دوستانه در اسلام و مسیحیت»، **دو فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۴
- صدیقیان کاشانی، منصوره و یزدانی، حسین (۱۳۹۱)، «درآمدی بر رابطه حفظ صلح و رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، (ISJ)، سال ۹، شماره ۳.

- عزیزی، ستار (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشر دوستانه در نهج البلاغه و گزارش قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۱.

- میرموسوی، علی و حقیقت، صادق (۱۳۷۶)، «مبانی نظری حقوق بشر در اسلام»، *مجله قبسات*، شماره ۵ و ۶.

- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۳)، «حقوق بین‌الملل کیفری از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال یکم، شماره ۱.

- ملکی، علی (۱۳۸۶)، «تعاملات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اسلام، سیری در برابر حربه اتهام غرب»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری*، شماره ۴۰ و ۴۱.

- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «حقوق بشر دوستانه در اسلام»، *مجله حقوق بشر*، شماره ۱.

- فلسفی، هدایت الله، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۶-۱۷.

- بودش، علیرضا (۱۳۹۰)، *مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۵)، *نسبت میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- https://www.civilica.com/Paper-VALIASR01-VALIASR01_076=%D8%AD%D9%82%2017-96/2/17 access on 6mau2017-96/2/17

عبدالرضا، حاتمیان، «حقوق بشر از دیدگاه اسلام»، ارائه شده در اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی ۱۳۹۳، اردبیل.

- <http://www.humanrights-iran.ir/news-29741.aspx> access on 6mau2017-96/2/17

- <http://www.aihrc.org.af/hom/article/5775> - access on 6 may 2017 -96/2/17

مقاله روحانی، اکثر علیرضا -مشاور ارشد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

- <http://www.dara-i-suf.com> access on 6 may 2017 -96/2/17

مقاله "مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه"

- <http://www.aihrc.org.af/hom/article/5775> access on 6 may 2017 -96/2/17

- <http://cid.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=236&pageid=7510&p=1&showitem=64>

access on 6 may 2017 -96/2/17

هشتمین دوره گفتگوی اسلام و مسیحیت ارتدکس ۱۳۹۱- مرکز گفتگوی ادیان و تمدن‌ها، امین‌زاده، الهام مقاله "دین و حقوق بشر، تعامل یا تقابل با دین"

- Rehman, Javid & Breau, Susan C. (2007), **Religion, Human Rights and International Law**, A Critical Examination of Islamic State Practice, Martinus Nijhof Publications

-Weeramantry, G. Christopher (1988), **Islamic Jurisprudence: An International Perspective**, New York: Houndmills & MacMillan

-Pirzada, Syed Shariffuddin (1981), **Islam and International Law, Essay on International Law**, New- Delhi: Asian-African Legal Consultative Committee

-Fixdal, Mona. And Smith, Dan (1998), **Humanitarian Intervention and Just War**. Mershon International Studies

